

# علائق انحطاط امت‌ها از دیدگاه قرآن

آناهیتا بلدی



سرشناسنامه	بلدی، آناهیتا، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	علل انحطاط امت‌ها از دیدگاه قرآن / آناهیتا بلدی.
مشخصات نشر	تهران، مسعی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	ص ۲۷۲
فروست	سری کتاب های مذهبی داستانی، تاریخی
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۴۵۵-۷۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	چاپ اول ۱۳۹۵
موضوع	برگشت (تمدن) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	Regression (Civilization) -- Qur'anic teaching:
موضوع	برگشت (تمدن) -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	Regression (Civilization) -- Religious aspects -- Islam.
رده بندی کنگره	۱۰۴FBP / ۱۳۹۵۴۵ ب۸
رده بندی دیویی	۱۵۹ / ۹۷:
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۳۹۴۱:

## سری کتاب‌های مذهبی، داستانی، تاریخی

نام کتاب	علل انحطاط امت‌ها از دیدگاه قرآن
مؤلف	آناهیتا بلدی
ویراستار	زهرا خوئینی
ناشر	انتشارات مسعی
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۵
شمارگان	۱۰۰۰ جلد
چاپ	مسعی
قیمت	۱۲۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۴۵۵-۷۰-۲

نشانی: تهران - خیابان ولی عصر (عج) - روبروی باشگاه خبرنگاران جوان - ساختمان جم - طبقه هشتم - واحد ۲

تلفن: ۲۶۱۳۲۰۳۹ و ۲۲۰۲۳۱۵۳ و ۰۹۱۲۷۱۴۶۴۲۶. نمابر: ۲۶۱۲۵۰۴۶

مسئولیت صحت و سقم مطالب کتاب به عهده مؤلف و حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ

## فهرست اجمالی

۱۱ ..... طلایه

۱۳ ..... مقدمه

### بخش اول

۲۵ ..... مفاهیم و کلیات

### بخش دوم

۵۹ ..... فصل اول: علل انحطاط امت‌ها ناشی از مسایل فرهنگی

۱۰۱ ..... فصل دوم: علل انحطاط امت‌ها ناشی از ردایل اخلاقی از دیدگاه قرآن

### بخش سوم

۱۳۳ ..... فصل اول: علل انحطاط امت‌ها ناشی از ناهنجاری‌های اجتماعی

۱۷۱ ..... فصل دوم: علل انحطاط امت‌ها ناشی از بی‌توجهی به معنویات در جهان

### بخش چهارم

۱۸۹ ..... فصل اول: علل انحطاط امت‌ها ناشی از مسائل اقتصادی

۲۲۱ ..... فصل دوم: علل انحطاط امت‌ها ناشی از مسائل سیاسی

۲۶۷ ..... فهرست تفصیلی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شکلی نیست که برای پیشبرد هر جامعه‌ای از جوامع بشری باید سخت  
به پاکیزگی آن جامعه کوشش نمود و پس از زودن آن آ  
از لوث پلیدی نام اخلاقی و فرهنگی و غیره به آرایش آن  
جامعه به کمالات انسانی اقدام نمود و چنانچه قبل از مرحله  
اول قدمی برداشتمه شود آن هدت مورد نظر، حاصل  
نخواهد شد. خوشبختانه قرآن کریم در مورد دو مرحله  
نامبرده بهترین راهنماست و خواهر اجتهاد ما آنا عینا بملدی  
موفق شده اند با تحقیقی قابل تحسین، مطالب را در این  
زمینه از قرآن کریم برداشت و روشن سازند.

سید محمد تقی حکیم

## طلیعه

از اهداف رسالت پیامبر اسلام ﷺ و نزول قرآن عرضه طرحی نو در حوزه اندیشه و رفتار انسانی و معرفت بخشش به تمام زمینه‌های زندگی است. یکی از موضوعات مهم و ضروری از دیدگاه قرآن مجید، بیان علل انحطاط امت‌ها است، که موضوعی بسیار مرتبط با مباحث کنونی جامعه است، به همین دلیل لازم است، با تحقیقی تحلیلی‌گونه از آیات و روایات این علل و عوامل را شناسایی نموده و ثابت نماییم که جوامع از منظر قرآن مانند سایر آفریده‌ها بر طبق سنن و قوانین ثابتی زندگی می‌کنند، قابل تغییر و تبدیل هم نیستند، بنابراین، حکم امت‌ها یکسان خواهد بود و چنین نیست که امتی بر اساس اتفاق سیر صعودی یا نزولی را طی کند.

دلیل تأکید قرآن بر آگاهی از تاریخ پیشینیان، برای عبرت‌آموزی و جلوگیری از خطر انحطاط می‌باشد، تا با فراهم نمودن شرایط لازم و رفع موانع، جامعه‌ای سالم و سربلند داشته باشیم. خداوند سرنوشت امت‌هایی



را بیان می‌کند، که به علت مبتلا شدن به یکی از معضلات فرهنگی از قبیل فقر فرهنگی، عدم تربیت صحیح دینی، تقلیده‌های غیر محققانه، ظاهرگرایی، سرکوبی عقل، زیاده‌خواهی و رفاه‌طلبی و همچنین گسترش رذایل اخلاقی مانند غفلت، قدرت‌طلبی، جبن و بخل، ناامیدی و روابط نامشروع منحل شده‌اند.

قرآن، علل ناشی از ناهنجاری‌های اجتماعی و بی‌توجهی به بعد معنوی، در جوانی شاه نموده، و لغزش دانشمندان، بی‌عدالتی اجتماعی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، عناد و استکبار، تحقیر و استخفاف، بی‌توجهی به تفاوت‌های حنثی و حقوقی زن و مرد و ترک شعائر را مطرح می‌نماید.

همچنین خداوند از علل ناشی از کفالت اقتصادی و سیاسی سخن می‌گوید و کم‌فروشی و گران‌فروشی، فقر و متخصص و متعهد نبودن مسئولان اقتصادی، اسراف و تبذیر، کم‌ارزنی نعمت و رشوه و ربا و تفرقه‌افکنی و فتنه‌گری، دوستی با کفار و سستی در جهاد و نافرمانی از رهبر را از این قبیل دانسته و نمونه‌های بارزی مانند بی‌اسرائیل، قوم لوط، و قوم شعیب را ذکر می‌کند. در نتیجه با تأمل در آیات و روایات چنین حاصل می‌شود که مبتلا شدن اکثریت افراد یک جامعه به یکی از انحرفات مذکور در واقع قدم نهادن در وادی انحطاط است.

## مقدمه

خداوند از باب عنایت و رحمت خمد انسان را عاقل، آزاد، مختار، مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش آفرید و به او برائت، کرامت ذاتی و شایستگی خلافت الهی داده و برای رفتار و کارهای بندگانش حدود مشخصی تعیین نمود. و احکامی فرستاد، تا کارهای خوب از بد تشخیص داده شود و سوارمند از زیان آور تمیز داده شود، پیامبرانی فرستاد و کتاب‌هایی بر آنان نازل کرد تا مردم آن حدود و حریم، و اسباب صعود و سقوط را بهتر بشناسند، پس با وجود این همه ارشاد و رحمت هر کس مخالفت با اوامر الهی نماید به خود و جامعه اش ستم نموده و برای خواری در این جهان و عذاب دردناک در آن جهان آماده باشد و اگر این مناس را گنبد شود به سقوط جامعه منجر خواهد شد.

به این علت است که باید دیده‌ها بینا و دل‌ها آگاه باشد تا از خطر محفوظ ماند. لکن کور شدن چشم‌ها زیاد مهم نیست ولی کوری عقل و دل بسیار خطرناک است. خداوند اقوام زیادی را هلاک کرده، کشورهای بسیاری را ویران نموده، پیوسته عدل الهی قومی را محو می‌کند، قومی دیگر به جای آن به وجود می‌آورد و برای هر عصر و زمان مردمان دیگری پدید می‌آورد.



آفریدگار، حکیمی است که همیشه رحمتش بر غضبش پیشدستی می‌کند. و طبق حکمت خویش برای هر عملی پاداش تعیین نموده و برای هر اتفاق و پدیده‌ای سبب و علتی مقرر داشته است. کارهای او بی حکمت نیست، و هیچ کار عبثی از او سر نمی‌زند.

خداوند بندگان را به گردش در روی زمین دعوت کرده تا عاقبت گذشتگان را ببینند و عبرت بگیرند و علاوه بر آن بفهمند که عدالت الهی و سنت وی همان طوری که در باره‌ی نخستین اجرا شده، برای آیندگان نیز اجرا شدنی است. پس باید عوامل آسیب‌زا را شناختن و از آنها دوری کرد. و اوامر الهی را اطاعت کرد و حدود شریعت را نگه داشت تا به خیر و سعادت دنیا و آخرت نایل شد.

کسی که دل آگاه و مسلم‌بنا و خرد توانا داشته باشد و در حوادث جهان جستجو کند و چگونگی انحطاط امت‌ها را بررسی نماید، به یک نتیجه‌ی مسلم و بدون شک می‌رسد، که هیچ بدی به امتی نرسیده و هیچ بلایی بر قوم‌ها نازل نشده، مگر این که آن‌ها به واسطه‌ی نشناختن عوامل سقوط و تجاوز از حد و رعایت نداشتن شده‌ی خداوند و نادیده گرفتن دستورهای عادلانه اش، به خود ستم کردند و از جای شریعت منحرف گشتند و دچار انحرافات ناشی از مسایل فرهنگی، رذایل اخلاقی، ناانحرفی‌های اجتماعی، عبادی، اقتصادی و سیاسی شدند و به این جهت سنت الهی جاری نشستن امت‌هایی که مبتلا به یکی از علل و عوامل بودند را منحنط نموده و از میان برداشته است.

خداوند در قرآن در سوره‌ی اعراف، علت انقراض امت‌ها را این چنین بیان می‌فرماید: «این امت‌ها از این جهت منقرض شده‌اند که بیشتر افرادشان فاسق و از ذی عبودیت بیرون بودند، به عهد الهی و آن میثاقی که در روز اول خلقت از آنان گرفته شده بود وفا نکردند»<sup>۱</sup> چنین امتی به انواع و اقسام بیماری‌های اخلاقی مبتلا شدند، فقر فرهنگی در بین آنها بیداد می‌کرد. در نتیجه سنت‌های الهی یکی پس از دیگری درباره‌ی آنان جریان

۱. سوره اعراف، (۷)، آیات ۱۰۲ و ۱۰۱.



یافت و منتهی به انقراضشان گردید.<sup>۱</sup>  
یکی از موضوعات مهمی که در قرآن کریم مورد توجه خداوند قرار دارد، سرنوشت امم و جوامع و بیان علل و عوامل انحطاط امت‌ها است. این بررسی در قرآن یا به صورت موضوع کلی و بدون اشاره به امتی خاص است:

«بی تردید پیش از شما ماجراها گذشت (سنت هلاکت اقوام) پس در زمین بگردید و ببینید که راندام تکذیب کنندگان چه سان بوده»<sup>۲</sup>

و یا به امت خاصی اشاره نموده است. خداوند در سوره بقره از قوم بنی اسرائیل یاد می‌کند، که در حالی که عین امت برتر جهان بودند، لکن به قومی منحط و ذلیل تبدیل شدند. بی شک این سیر تاریخی عللی دارد، که این امت را از رشد و شکوفایی باز داشته و به سمت سقوط کشاند است.

در این کتاب با استعانت از خدای مأن و قرآن کریم، در پی بررسی علل و اسباب انحطاط امت‌ها از دیدگاه قرآن هستیم. و اینکه چه عواملی در سقوط و انحطاط امت‌ها نقش داشته‌اند؛ از آنجا که خداوند در قرآن، از قوانین ثابت و یکسانی تحت عنوان سنن الهی تعبیر فرموده: «سنت خداوند هرگز مبدل نخواهد شد»<sup>۳</sup> بنابراین حکم امت‌ها یکسان خواهد بود.

در نتیجه امت‌ها موظف اند که از این سنن عبرت گیرند و بتوانند امهیا نمودن شرایط لازم و برداشتن موانع و شناخت علل انحطاط، جلوی منحن شدن را بگیرند. هیچ امتی از عرش عزت خویش فرو نیفتاد و نامش از لوح وجود منجز گردید، مگر اینکه از سنن الهی که بر اساس حکمت بالغه‌ی خداوند است، سرپیچی نمود. و مسیر انحرافی در پیش گرفت.

۱. محمدحسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، محمدباقر، همدانی، ج ۸، ص ۲۷۰.

۲. سوره آل عمران، (۳)، آیه ۱۳۷: (قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ).

۳. سوره الفاطر، (۳۵)، آیه ۴۲: (فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا).



از دیدگاه قرآن نابودی امت‌ها علل و عواملی چون انحرافات فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی، اقتصادی و سیاسی دارد. البته ادعای ما این نیست که توانسته ایم تمام علل و عوامل را در تمام زمینه‌ها به نحو احسن و اکمل بررسی نماییم، بلکه این گامی است کوتاه برای تلاش‌های بعدی تا بتوانیم به صورت گسترده تری در این زمینه‌ی مهم بپردازیم.

همیشه این نکته برای ما قابل توجه و تأمل بود که چگونه در قرآن کریم خداوند گاهی امتی را برتری می‌دهد:

«ای بنی اسرائیل، یاد کنید از نعمت‌هایی که به شما عطا کردم و شما را بر عالمیان برتری دادم.»<sup>۱</sup> و گاهی همان امت را پایین می‌آورد، چنانچه در آیات بعدی سوره‌ی مبارکه‌ی بقره در مورد بنی اسرائیل و عذاب‌ها آمده، بهی که شامل حال آنان گردید صحبت می‌کند و این قوم را مایه‌ی عبرت ما قرار می‌دهد.

به همین خاطر، انگیزه ایجاد شد که علل و عواملی باشیم که امت‌ها را تهدید کرده و آنها را رو به زوال برده تا شاید جامعه‌ی کنونی در مقابل آن علل و عوامل ایمن شده و جلوی پدیده شوم انحطاطی که به دست خریس ایجاد می‌کنند گرفته شود. و با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی کشورهای به اصطلاح مدرن و پیشرفته امروزی از یک سو، انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی از سوی دیگر، سبب افکنی دشمنان اسلام در برگرداندن مردم از اعتقادات دینی و پای بندی‌های مذهبی به نایغات وسیع ضد اسلام با شعار «اسلام راز عقب افتادگی است»

از سوی سوم، و نیز ضرورت طرح این موضوع که از بنیادی‌ترین مباحث مورد نیاز جامعه به ویژه قشر تحصیل کرده به شمار می‌آید، لازم شد با تکیه بر فرهنگ قرآن به موضوع «علل انحطاط امت‌ها از دیدگاه قرآن» پرداخته شود، بررسی و شناخت دقیق علل انحطاط امت‌ها از بایسته‌ترین و فوری‌ترین کارهایی است که بر عهده‌ی

۱. سوره بقره، (۲)، آیه ۴۷: (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم وانی فضلکم علی العالمین.)

پژوهشگران می‌باشد تا با بازگو کردن گوشه‌ای از دردهای درونی امت‌ها که در معرض خطر انحطاط قرار گرفتند و منحن شدند، بتوان نسل کنونی بخصوص جوانان و نسل‌های آینده را آگاهی داد تا از تاریخ گذشتگان عبرت گرفته و امت اسلامی را از این خطر محفوظ نمایند.

این امت در آغاز ظهور و تولد با حداقل امکانات و گاهی عدم امکانات توانست صف امت‌ها را بکسب و دروازه‌ی سرزمین‌ها را بر روی اسلام و مسلمانان بگشاید نه امپراطور بزرگ روم و نه امپراطوری بزرگ و قدرتمند ایران و نه هیچ مانع دیگری نتوانست جنود این امت باشد و به این صورت امت بزرگ اسلامی شکل گرفت.

بررسی اینکه چه عاملی جلوی رشد سریع این امت را گرفت که اکنون با وجود افراد و امکانات، سرزمین‌ها را تسخیر و وسع، آنها مورد تجاوز و تعدی و سرقت قرار گرفته و اموالشان آنها از دستشان رفته شده و بیگانگان بر ملت‌های مسلمان غلبه کرده‌اند و تهاجم فرهنگی در کشورهای مسلمان بیداد می‌کند، بعضی از ارزش‌ها به ضد ارزش تبدیل شده‌اند و رنگ و بوی مسلمان را تحت شعاع خود قرار داده است و جز نامی از دین در بعضی از این کشورها چیزی باقی نمانده است. بنابراین در پی فرمایش رسول اکرم ﷺ که فرمودند:

«هرگاه امور همچون پاره‌های شب‌تار بر شما تاریک و شیهه‌ها شد، شد به قرآن روی آورید.»<sup>۱</sup> به قرآن توسل پیدا کردیم، زیرا بهترین راه برای شناسایی عوامل انحطاط و سقوط مراجعه به قرآن کریم و تفکر و اندیشه در آن است که سرگذشت اقوام گذشته و علل نابودی بعضی از آنها را بیان می‌کند و مراجعه به تاریخ و سرنوشت آنها را عبرتی بزرگ برای صاحبان خرد می‌شمرد.

با توجه به موضوع کتاب، اولین گام را به سوی نظریه پردازان و اندیشمندان مسلمان برداشتیم در این زمینه به تحقیقات جامع و کاملی دست نیافتیم مگر در چند مورد

۱. محمد، محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، ج ۲، ص ۸۲۳.



محدود. در بررسی‌های انجام شده به رساله‌هایی متعلق به قرن چهارم تا ششم هجری از اخوان الصفاء که راجع به انحطاط دولت‌ها بوده اشاره شده و در قرن هشتم الی نهم هجری نظریه پردازی چون ابن خلدون معرفی شده است که دوران زندگی‌اش، دوران انحطاط عمومی جهان اسلام بود.

انحطاطی که به ویژه در غرب جهان اسلام و در آفریقای شمالی، نمودی خاص یافته بود. فساد، سب و اخلاقی، ناپایداری سیاسی و تغییر پی در پی سلسله‌ها و فقر و تبعیض و غیره. تقریباً همه شارحان ابن خلدون به این نکته اشاره کرده‌اند که آنچه او را از مطالعات کلامی و فلسفی به تدریج به سوی مطالعه تاریخ برد، علاقه و میل شدید او برای درک ماهیت تحولات، نام‌ها خود و علت شناسی انحطاط آن بود.<sup>۱</sup> او می‌خواست از رویه‌های ظاهری حوادث بگذرد و به باطن آن‌ها پی ببرد و از سنت یا قانونمندی ثابت و حاکم بر تحولات تاریخی سر در آورد. با نگارش مقدمه‌ی مشهور خود، به وضع اصول جدید که او آن را «علم العمران» نامید دست گماشت.

البته ایشان علل انحطاط از دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار نداده‌اند ولی چون از اندیشمندان مسلمان بوده حتماً الهاماتی از قرآن داشته‌اند. خود ایشان در عبارتی می‌گوید: «اگر مسائل جامعه شناسی را به کمال بیاورم و آن را با دیگر فنون بازشناسم، توفیق و هدایتی از جانب خداوند خواهد بود.»<sup>۲</sup>

با این وجود اولین کسی که به این موضوع صریحاً پرداخته، سید جمال‌الدین اسدآبادی در قرن سیزدهم هجری بود که مقاله‌های معروف ایشان در این زمینه در مجله‌ی عروة الوثقی به چاپ می‌رسیدند. از جمله «سنن الله فی الامم و تطبیقها علی المسلمین» و بعد از ایشان شاگردان با واسطه‌ی وی از جمله شکیب ارسلان سوری، کتاب «لماذا تأخر المسلمون و لماذا تقدم غیرهم» را نگاشت که از علل انحطاط سخن

۱. - محسن، مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، مجید مسعودی، ص ۱۱-۱۰.

۲. - عبدالرحمن، ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین، گنابادی، ج ۱، ص ۷۴.

به میان آورده و ادعای خویش به وسیله آیاتی از قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام به اثبات رسانیده است.

و نیز شیخ محمد عبده دارای تفسیر معروفی است و در این زمینه رساله‌ای دارد به نام «رساله توحید» که تماماً بر پایه‌ی آموزش‌های دینی و قرآنی راجع به علل انحطاط مسلمانان است و از نظریه پردازان و اندیشمندان معاصر که به این موضوع مهم پرداخته‌اند می‌توان از احمد علی قانع که کتاب «علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم» را حاشته‌اند نام برد.

همچنین جاب آقا علی کرمی که کتاب «ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن» را نگاشته‌اند ولی به بعضی از احوال اشاره ننموده‌اند و برخی از اندیشمندان و صاحب نظران در ضمن مطالب و موضوعات دیگر از علل انحطاط نیز یاد نموده‌اند، مانند فیلسوف شهید استاد آیت الله مرتضی مطهری که صراحتاً در کتاب «جامعه و تاریخ» به علل انحطاط پرداخته و اضافه نموده‌اند که:

«این موضوع هرگز کهنه نخواهد شد، با توجه به اینکه این بزرگوار از جنبه تاریخی و جامعه شناختی این موضوع را بررسی نموده و درین باب آیات و احادیث آن را اثبات نموده‌اند؛ همین طور، استاد آیت الله مصباح یزدی در کتابی بنام «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند و همچنین استاد آیت الله مکارم نیز به این موضوع توجه داشته‌اند. از جمله صاحب نظران که مختصراً به این موضوع پرداخته‌اند، از استاد آیت الله جوادی آملی در تفسیر موضوعی قرآن کریم «جامعه در قرآن» می‌توان یاد کرد که در حد توان از آنها در این اثر استفاده شده است.

در این کتاب پس از قرائت قرآن و تأمل و تدبیر در بعضی از آیات متوجه شدیم که خداوند متعال نسبت به سرگذشت اقوام و علل نابودی از آنها و نیز عبرت گرفتن از عاقبتشان سفارشات ویژه‌ای دارد، پس به این نتیجه رسیدیم که باید به پژوهش و مطالعه‌ی دقیق و منظم در این زمینه دست زد.



و به همین علت با کمک از خداوند متعال و استفاده از کتب تاریخی، تفسیری، جامعه‌شناسی، احادیث و آثار اندیشمندان و نظریه پردازان توانستیم این اثر را تدوین نمایم. البته در حین مطالعه و بررسی متوجه شدم که بعضی از آثار اندیشمندان فقط جنبه‌ی تاریخی دارند مانند آثار ابن خلدون و از آیات قرآن استفاده ننموده‌اند. و برخی دیگر مانند آیت الله جوادی آملی و آیت الله مطهری به آیات قرآن تمسک نموده‌اند ولی تنها به بعضی از علل و عوامل پرداخته‌اند.

در حالی که ما با تحقیقات گسترده، خیلی از عوامل را مورد بررسی قرار داده و به توضیح و تحلیل آنها پرداخته ایم حتی این ادعا را داریم که هیچ اثری در این زمینه به گستردگی این اثر به عمل نمانده است. از جمله مطالبی که در آثار دیگران نیست ولی ما در این کتاب به آن پرداخته ایم، فقر فرهنگی، فرهنگ و معرفت، بی‌توجهی به تفاوت‌های حقیقی و حقوقی زبانی، بی‌توجهی به معنویات در جامعه، ترک شاعران، سرکوبی عقل، تربیت صحیح دینی و اسلامی آن، فتنه و فتنه‌گری می‌باشند.

البته این ادعا را نداریم که به طور کامل و شامل به همه‌ی علل و عوامل دست یافته‌ایم، بلکه به خاطر راز جاودانگی و اعجاز قرآن کریم، سوزن نکته‌ها در آن نهفته است.

یکی دیگر از افتراقات این اثر یا سایر آثار این است، که بعضی از آنها فقط به قوم یا تمدن یا برهه‌ای از زمان و یا دین و مذهب و ملیت خاص تعریف داشته و فقط عوامل انحطاط آنها مورد بررسی قرار گرفته است و جنبه تاریخی دارند در حالی که این کتاب به همه اقوام با هر دین و مذهب و ملیتی که داشته باشند تعلق دارد. و به علل کلی و عمومی سقوط جوامع از دیدگاه قرآن پرداخته ایم.

گویا قرآن به سرنوشت امت‌ها توجه ویژه‌ای دارد؛ و با دقت در آیاتش این‌طور استنباط می‌شود که جامعه همانند افراد دارای سیر صعودی یا نزولی می‌باشد و عملکرد افراد تعیین‌کننده‌ی این سیر است.

چنین به نظر می‌رسد که خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه خود

خواهان تغییر سرنوشت باشند و این سنت الهی است، که بر تمام جوامع حکم فرماست. از نظر ما علل اخلاقی و اجتماعی، بیشترین نقش را در تغییر و تحولات قهقرایی امت‌ها ایفا می‌کنند. شاید به همین دلیل خداوند بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید بیشتری دارد.

هر مکتب و آیینی همان‌طور که به علل تعالی افراد و جامعه توجه دارد، به علل سقوط و انحطاط نیز توجه نموده، و دین مبین اسلام به علت جامعیتش بیشتر به این موضوع پرداخته است. بر اساس نگرشی که به حوادث و وقایع امت‌های گذشته از دیدگاه قرآن داشته ایم و به دنبال اثبات علل و عوامل انحطاط امت‌ها بوده ایم.